



نسخه خطی شروح شهاب الاخبار علی بن زید بن فندق بیهقی

حسن انصاری قمی

آن‌طور که یاقوت حموی در معجم‌الادبا و به نقل از مشارب‌التجارب ابن‌فندق بیهقی نقل می‌کند، می‌دانیم که وی تألیفی در شرح شهاب‌الانخبار قاضی قضاعی داشته است.^۱

کتاب شهاب‌الانخبار از هنگام تألیف مورد عنایت و توجه نویسندگان و راویان مختلف سنی و شیعی قرار گرفت و نسخه‌های آن مورد روایت و تداول بود. در این میان شرح‌هایی هم بر آن نوشته شد که از آن جمله شرح‌های علمای امامی ری و کاشان در سده ششم قمری حائز اهمیت است. شرح‌های دیگری نیز از این کتاب به فارسی و عربی موجود است و بعضاً هم به چاپ رسیده‌اند. برخی از این شرح‌ها هم مجهول‌المؤلف هستند.

به هر حال وجود نسخه‌های خطی شهاب‌الانخبار قضاعی و شروح آن در میان تقریباً تمامی مذاهب اسلامی و نیز در گستره‌ای از هند و خراسان بزرگ تا اندلس، نشان از نفوذ بسیار این متن روایی دارد. اما نکته جالب اهتمام علمای ری در سده ششم قمری به این کتاب و به ویژه علمای امامی این شهر است.^۲

اهتمام ابن‌فندق بیهقی به این متن، با گرایش‌های سده ششم قمری کاملاً سازگار است؛ به ویژه که می‌دانیم بیهقی در سنین وعظ و تحدیث، زمانی در میان دو سال ۵۲۶ و ۵۲۷ق (از شوال ۵۲۶ تا جمادی‌الاول سال بعد) در شهر

ری ساکن بوده و در آنجا حسب آنچه در لباب‌الانساب می‌یابیم، همسایه قاضی صابر ونکی از سادات زیدی و محترم شهر بوده که از او در علم انساب هم مطالب را فرا گرفته بوده است. این قاضی صابر به احتمال قوی در محله مصلحکان^۳ / مصلحکاه / مسلخگاه^۴ ری ساکن بوده، جایی که پسر عمویش ابوالفتح نصر بن مهدی الونکی، از محدثان زیدی و شیخ حدیث سمعانی ساکن بوده است. بدین ترتیب احتمالاً علی بن زید البیهقی هم ساکن همین محله از محلات معروف ری بوده است.

قبل از اینکه ارتباط این موضوع را با شرح شهاب‌الانخبار بیان کنم، دو نکته دیگر را هم لازم است درباره بیهقی تذکر دهیم: یکی در مورد مذهب او که گرچه قرائنی بر تشیع او وجود دارد، اما به احتمال قوی وی بیشتر از آنکه فقیه و یا محدثی صاحب مذهب خاص بوده باشد، به سان بسیاری از دانشمندان با گرایش‌های تاریخی و فلسفی آن زمان، دانشمندی بر «مذهب عامه» بوده و تعصب ویژه‌ای از خود بروز نمی‌داده است؛ بنابراین ضمن آنکه سنت خانوادگی و تحصیلاتی او با تشیع امامی و یا زیدی پیوندی نداشته، اما علائق ویژه شیعی داشته است و این مطلب از پاره‌ای از آثار او مانند معارج نهج‌البلاغه و لباب‌الانساب برمی‌آید.

با این وصف، حسب‌الظاهر و باز به دلیل عقاید فلسفی‌اش، شاید هیچ‌گونه ارادتی به معتزلیان و یا زیدیان معتزلی نداشته است. با این حال می‌دانیم که او ساکن شهر بیهق بوده که در آن سادات و امامیه، و از دیگر سو زیدیان و معتزله حضور داشته‌اند و صاحب مدرسه و پایگاه و دانشمندان و کتاب‌ها بوده‌اند. اما از مطالبی که در تتمه صوان‌الحکمة درباره شریعت و تأویل فلسفی و امثال آن می‌گوید، روشن است که در عقاید غیرفلسفی جانب احتیاط را داشته و بر مبنای مذهب عام

۱. در مورد ابن‌فندق بهترین تحقیقات، از محقق طباطبایی و استاد یوسف الهادی است. البته باید از تحقیق مرحوم محمدخان قزوینی هم یاد کرد. برای نام کتاب شرح شهاب‌الانخبار به تحقیق محقق طباطبایی مراجعه شود: «ذیل معارج نهج‌البلاغه»، مجله تراثنا.
۲. نک: الفهرست منتجب‌الدین و تحقیقات مرحوم محقق طباطبایی و محدث ارموی و استاد دانش‌پژوه و محمد شیروانی.
۳. نک: یاقوت، معجم البلدان، ۵/۱۴۳.
۴. نک: بشارة المصطفی، ص ۱۰۵.

ابراز عقیده می‌کرده است. البته او کتاب‌هایی در عقاید هم داشته که متأسفانه همگی از میان رفته‌اند. به طور کلی وضعیت فکری او با انتساب به مذهب حنفی سازگار است؛ حنفیانی علاقه‌مند به اهل بیت (ع) و در عین حال بدون تعصبات سخت مذهبی‌ای که در آن دوره البته در میان تمامی مذاهب فقهی حضور داشت.



به هر حال مطالعه آثار او این اجازه را نمی‌دهد که او را یک امامی فرض کنیم و به طریق اولی او را نمی‌توان زیدی قلمداد نمود.^۱ به هر حال، وی شرحی بر نهج البلاغه دارد و این کتاب را روایت می‌کرده و با کتاب‌های شریف مرتضی هم آشنا بوده و حتی کتابی در تلخیص مسائل الذریعة شریف مرتضی در اصول فقه داشته است (نک: معالم العلماء از ابن شهر آشوب، ص ۲۵) که باز البته دلیلی برای امامی بودن او نیست؛ چرا که شریف مرتضی شخصیتی فراتر از مذهب امامیه قلمداد می‌شده و اصول فقه هم دانشی است تا اندازه زیادی عمومی. وانگهی منتجب‌الدین در الفهرست، نامی از بیهقی نمی‌آورد، در حالی که طبعاً به دلیل نزدیکی زمانی و جغرافیایی، می‌بایست از دانشمندی به پایه او به عنوان عالم امامی، نام می‌برد؛ خاصه که بیهقی به ری نیز آمده بوده است.

نکته دوم اینکه، گرچه لقب مشهور بیهقی ظهیرالدین است، اما وی از سوی منابع متعددی، همانند عماد کاتب و ابن الفوطی (۲۸۳/۱) و بیشتر منابع سنی به لقب شرف‌الدین خوانده شده است. البته مرحوم محقق طباطبایی به درستی متذکر خلط میان وی و یک شرف‌الدین بیهقی دیگر شده‌اند که از دولتمردان دوره بیهقی ما بوده است، اما به نظر می‌رسد که دست‌کم در اینکه بیهقی ما

نیز لقب شرف‌الدین هم داشته، نتوان به سادگی تردید کرد؛ خاصه که منابع متعدد و متفاوتی این نکته را مورد توجه قرار داده‌اند. البته به دلیل بی‌توجهی نسبی معاصران بیهقی و اندکی پس از او نسبت به ذکر نام و شخصیت او، طبیعی است که خلط‌هایی درباره او صورت گرفته باشد.^۲

حال با توجه به این مقدمات، باید گفت که نسخه‌ای از شرح شهاب‌الاکبار در کتابخانه جامع کبیر صنعا موجود است که به احتمال زیاد متعلق به ابن فندق بیهقی است و در حقیقت نسخه‌ای از شرح شهاب‌الاکبار اوست.

این نسخه در ۵۵۴ق نوشته شده و تاریخ فراغ بی‌تردید مربوط به مؤلف نیست، بلکه مربوط به تاریخ کتابت است؛ چون در آن کاتب از مؤلف با عنوان «قال الشيخ الامام شرف‌الاسلام / شرف‌الدین» تعبیر می‌کند که طبعاً از خود نویسنده نمی‌تواند باشد. بنابراین تاریخ تألیف کتاب باید زودتر از تاریخ ۵۵۴ق باشد. گواهی فراغ چنین است: «و وقع الفراغ ليلة الاثنين لخمس لیلال یقین من شهر جمادی الاخرة من شهر سنة اربع و خمسين و خمسمائة فی بلد الری بمصلحکة.»

بنابراین این کتاب در محله مصلحکان / مسلخگاه ری در سال ۵۵۴ق کتابت شده، و احتمالاً به وسیله زیدیان ایرانی و یا یمنی به یمن منتقل شده است. از دیگر سوا از آنجا که کاتب برای مؤلف عباراتی مانند ترضیه و ترجمه که عموماً برای کسی به کار می‌رود که در گذشته باشد، بیان نمی‌کند، بنابراین می‌توان این فرض را قبول کرد که نویسنده در زمان کتابت نسخه در قید حیات بوده است و این با زمان مرگ بیهقی سازگار است.

در این کتاب، همان‌طور که گفتیم، نویسنده شرف‌الاسلام و یا شرف‌الدین خوانده شده که می‌تواند به ابن فندق بیهقی مربوط باشد. اما نکته جالب اینکه اگر محل احتمالی زندگی بیهقی در ری که پیشتر بدان اشاره کردیم، یعنی مصلحگاه، را در نظر آوریم، در آن صورت

۱. البته علمای امامی در این دوره به ویژه ناچار به تقیه بوده‌اند و خصوصاً در برخی شهرها و حتی گاهی در شهر ری. با این حال پذیرش فرضیه تقیه در مورد بیهقی با کل حیات و آثار او چندان سازگار نیست.

۲. نک: نظر مخالف محقق طباطبایی در مقاله مجله تراشادر مورد لقب شرف‌الدین.



و به وجوب نظر قائل است و مخالف قول اهل ظاهر در این مورد و قول نافیان قیاس عقلی و شرعی است (ص ۱۹۱). در یک مورد هم متذکر می‌شود که متابعت امام گمراه حرام است (ص ۱۹۲). وی در یک مورد از کتاب اهالی سید مرتضی نقل می‌کند، بدین تعبیر: «فهدیه الوجوه ذکرها المرتضی فی کتاب الغر» (ص ۱۸۹). آنچه از محتوای کتاب گفته شد، با عقاید و طرز فکر ابن فندق می‌تواند سازگار باشد. گرچه آنچه گفتیم، در حد یک احتمال است، اما بی‌تردید احتمالی است قابل بررسی که بایستی با انتشار این متن مفصل دنبال شود.

* گزارش میراث: یادآور می‌شود که سه شرح دیگر از شهاب‌الاخبار را این مرکز به زودی منتشر می‌کند: الشهاب فی الحکم و الآداب [شهاب‌الاخبار]، تألیف بحرانی، به کوشش جويا جهانبخش؛ ضیاءالشهاب (شرح شهاب‌الاخبار)، شارح: قطب‌الدین راوندی (سده ششم هجری)، به کوشش جويا جهانبخش؛ ضیاءالشهاب شرح پارسی شهاب‌الاخبار، شارح: از دانشمندان اهل تسنن (ناشناخته، احتمالاً از حدود سده‌های هفتم و هشتم هجری)، به کوشش جويا جهانبخش، حسن عاطفی و عباس بهنیا.

این مطلب خود حائز اهمیت است که احتمالاً ما در اینجا با کتابی از بیهقی سروکار داریم که در ری نوشته شده بوده و در همین محله مصلحگاه در اختیار بوده و البته کتابی در همین محله آن را کتابت کرده بوده است.

ما سفر بیهقی در سال‌های ۷-۵۲۶ ق را پیش از این مورد تذکر قرار دادیم و گفتیم که احتمالاً او در محله مصلحگاه اقامت داشته است. با این حساب، احتمال اینکه کتاب ما در حقیقت نسخه‌ای از کتاب شرح شهاب‌الاخبار ابن فندق بیهقی باشد، جدی‌تر می‌شود.

اما در مورد محتوای کتاب و عقاید مؤلف، باید گفت که وی آنچنان‌که از کتاب بر می‌آید، سنی است و احتمالاً حنفی غیرمتعصب و البته مخالف با عقاید معتزلیان (نک: صص ۵۶ و ۵۷ و ۷۰). از ابوحنیفه و شافعی و فقهای برجسته حنفی، ابویوسف و محمدبن حسن شیبانی یاد می‌کند (ص ۱۸۰). از میان بدعت‌ها نیز، به تشبیه و تجسیم و جبر و قدر و ارجاء و رفض و مذهب خوارج اشاره می‌کند (ص ۱۸۸). با وجود این از اهل بیت و حضرت امیر (ع) تمجید می‌کند و عبارات او نسبت به ایشان با احترام توأم است (ص ۴۴ و ۷۳). از اهل ظاهر با عنوان «اصحاب‌الظاهر و العوام» یاد می‌کند (ص ۱۵۲)

مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری، اقدام به تأسیس پایگاه اطلاعاتی نشریات علمی معتبر با عنوان ISC کرده است. در این پایگاه به نشانی www.srlst.com نشریات معتبر، با توجه به میزان ارجاعی که به مقالات آنها می‌شود، رتبه‌بندی و بر حسب ضریب تأثیر تنظیم شده‌اند. یکی از مهم‌ترین اهداف این طرح آن است که معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای بررسی و ارزیابی مجلات علمی و صدور تمدید یا لغو مجوزها، از گزارش‌های استنادی و اطلاعاتی نمایه شده در این پایگاه استفاده کند. فصلنامه آینه میراث، برای مراجعه و استناد پژوهشگران عضو این پایگاه قابل دسترسی و استناد است.